

دانشگاه یزد

پردیس علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان

مبانی فقهی تأثیر رأی مردم بر ساختار نظام

در قوانین جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما

دکتر علی تولایی

استاد مشاور

دکتر محمود حائری

پژوهش و نگارش

سید حمزه حسینی مطلق

بهمن ماه ۱۳۹۵

پیشگی ناقابل به

ساحت قدسی امام خمینی (رحمه الله علیه)،

رہبر فرزندی ایران (حفظه الله تعالی)

و ایثارگران کران قدر اسلام

به ویژه جانبازان، آزادگان و شهدایی که

با گذشتن از تمام داشته‌هایشان،

میراث ثمنین جمهوری اسلامی را به ما بخشیدند.

سپاس از خداوند منان که هر آنچه دارم از اوست.

و از پدر بزرگوار و مادر عزیزم، به خاطر دعاهای خیر

و حمایت های مادی و معنوی شان.

و سپاس از همسر مهربان و فداکارم

که در تمامی مراحل پشتیبان و همراهم بود.

و از همه ی اساتید و معلمانم

که برای رشد و پیشرفت من از جوانی خود گذشتند.

چکیده

در قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران، فرآیند انتخابات، برای تأثیر پیوسته ی رأی مردم بر ساختار حاکمیتی این نظام در نظر گرفته شده است. این نوشتار به دنبال شناسایی مبانی و پشتوانه های محکم از ادله ی شرعی برای طراحی و اجرای این قوانین انتخاباتی است. بر این اساس دانسته خواهد شد نویسندگان قانون اساسی ما برای وضع قوانینی که بیانگر چگونگی تأثیر رأی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران است، چه مبانی فقهی را مد نظر داشته اند. به عبارت دیگر، می توان گفت موضوع این نوشتار، مبانی فقهی قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران است.

در پایان نامه ی حاضر با بررسی مستندات عقلی و نقلی اعتبار رأی مردم در حکومت دینی، و تطابق آن ها با قوانین انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران، به روش تحلیلی، دانسته می شود که هرچند قوانین یادشده تماماً بر محوریت مستندات فقهی است، اما برخی ایرادات ساختاری در مرحله ی سازماندهی و چینش نظام انتخاباتی، دیده می شود. که بر این اساس موارد نیازمندی این قوانین به اصلاحات روشن خواهد شد.

نظریه ی ایجاد «کمیسیون انتخابات» به عنوان راهکار برخی حقوق دانان برای اصلاح ساختار انتخاباتی ایران مهم ترین پیشنهادی است، که ایشان در این خصوص ارائه نموده اند. اما به عنوان مهم ترین دستاورد حاصل از تحقیق با عنایت به ویژگی های برآمده از ادله، می توان گفت: هرچند ایجاد یک «نهاد ویژه ی انتخاباتی»، که مستقل، دائمی و دارای نگرش راهبردی است، به عنوان راهکار نهایی، پذیرفته می شود، اما تعریف ساختار، جانمایی و اختیارات آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، نیازمند لحاظ ویژگی های برآمده از ادله است؛ نظیر: قانون گذاری متناسب با قانون اساسی، به گونه ای که با وظایف خطیر سایر نهادهای قانونی مثل شورای نگهبان، تداخل نداشته باشد. و همچنین اجتناب از تقلید ساختار «کمیسیون انتخاباتی» از نظام های حقوقی غربی و لزوم بومی سازی این نهاد، توسط متخصصان و خبرگان حقوقی کشور.

واژگان کلیدی

رأی مردم، مبانی فقهی، مشروعیت، قانون اساسی، ولایت فقیه، انتخابات.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
طرح تحقیق.....	۷
۱- بیان مسأله.....	۹
۲- هدف از اجرا.....	۱۰
۳- کاربرد نتایج تحقیق.....	۱۱
۴- پیشینه ی تحقیق.....	۱۱
فصل اول: مفاهیم بنیادین.....	۲۱
۱-۱ انتخابات.....	۲۳
۱-۱-۱ فلسفه ی انتخابات.....	۲۵
۱-۱-۲ مدیریت انتخابات.....	۲۸
۱-۱-۲-۱ الگوهای مدیریت انتخابات.....	۳۱
۱-۲ ساختار نظام.....	۳۱
۱-۳ مشروعیت.....	۳۲
۱-۳-۱ تقسیم بندی های مشروعیت.....	۳۵
۱-۳-۱-۱ تقسیم از جهت مفهوم().....	۳۵
۱-۳-۱-۲ تقسیم از جهت منشأ و مبنای مشروعیت().....	۳۶
فصل دوم مبانی نظری.....	۳۷
۲-۱ مروری بر نظریه های مشروعیت حکومت دینی.....	۳۹
۲-۱-۱ ن حضرت.....	۴۰
۲-۱-۲ نظریه ی انتخاب یا مشروعیت مردمی حکومت.....	۴۱
۲-۱-۲-۱ دلایل قائلین به این نظریه.....	۴۲
۲-۱-۲-۱-۱ دلایل عقلی.....	۴۲
۲-۱-۲-۱-۲ دلایل نقلی.....	۴۲

- ۳-۱-۲ نظریه ی انتصاب یا مشروعیت الهی حکومت ۴۳
- ۳-۱-۳-۱ دلایل قائلین به این نظریه ۴۴
- ۳-۱-۳-۱-۱ دلایل عقلی ۴۵
- ۳-۱-۳-۱-۲ دلایل نقلی ۴۵
- ۳-۱-۴ نظریه ی مشروعیت الهی مردمی ۴۶
- ۳-۱-۴-۱ دلایل قائلین به این نظریه ۴۷
- ۳-۱-۴-۱-۱ دلایل عقلی ۴۷
- ۳-۱-۴-۱-۲ دلایل نقلی ۴۸
- ۳-۱-۴-۲ حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) و مشروعیت الهی - مردمی حکومت ۴۹
- ۳-۱-۴-۲-۱ نظرات دال بر مشروعیت الهی حکومت ۴۹
- ۳-۱-۴-۲-۲ نظرات دال بر مشروعیت مردمی حکومت ۵۲
- ۳-۱-۴-۲-۳ نظرانی که توأمان بر انتصاب و انتخاب دلالت دارد ۵۵
- ۳-۱-۴-۲-۴ جمع بندی دیدگاه امام خمینی (رحمه الله علیه) در خصوص مشروعیت الهی - مردمی ۵۷
- ۳-۱-۵ جمع بندی مباحث مشروعیت ۵۹
- ۲-۲ مستندات عقلی اعتبار رأی مردم در حکومت دینی ۶۰
- ۲-۲-۱ قبح عقلی حکومت مبتنی بر زور ۶۱
- ۲-۲-۲ استدلال به حق عزل مردم به طریق قیاس اولویت (۱) ۶۴
- ۲-۲-۳ سیره ی عقلا ۶۶
- ۲-۲-۴ قاعده ی لطف ۷۱
- ۲-۲-۵ برهان مبتنی بر قدر متیقن ۷۴
- ۲-۲-۶ اصل مقدمه واجب ۷۶
- ۲-۲-۷ جمع بندی ۷۷
- ۲-۳ مستندات نقلی اعتبار رأی مردم ۷۹

- ۲-۳-۱ کتاب شریف ۷۹
- ۲-۳-۱-۱ آیات در مقام توبیخ انسان ها با عبارت «أكثرهم» ۸۰
- ۲-۳-۱-۱-۱ خطاب به کفار، منافقین و معاندین با حق ۸۱
- ۲-۳-۱-۱-۲ خطاب به عموم انسان ها ۸۵
- ۲-۳-۱-۱-۳ جنس توبیخ ها ۸۹
- ۲-۳-۱-۲ آیات در مقام توبیخ انسان ها با عبارت «أكثر الناس» ۸۹
- ۲-۳-۱-۳ سایر آیات با عبارت «أكثر» ۹۱
- ۲-۳-۱-۴ آیات با مضمون تشویق به مشورت و استفاده از نظر مردم ۹۳
- ۲-۳-۱-۵ تمسک به آیات قرآن در اثبات نظریه های مشروعیت ۹۵
- ۲-۳-۱-۵-۱ استدلال ها به آیات قرآن جهت اثبات مشروعیت مردمی ۹۵
- ۲-۳-۱-۵-۱-۱ آیات شورا() ۹۵
- ۲-۳-۱-۵-۱-۲ آیات وفای به عهد ۹۸
- ۲-۳-۱-۵-۱-۳ آیات بیعت ۱۰۰
- ۲-۳-۱-۵-۲ استدلال ها به آیات قرآن جهت اثبات مشروعیت الهی ۱۰۴
- ۲-۳-۱-۵-۲-۱ سه آیه ذیل «مقبوله ی عمر بن حنظله»() ۱۰۴
- ۲-۳-۱-۵-۳ استدلال ها به آیات قرآن جهت اثبات مشروعیت الهی - مردمی ۱۰۵
- ۲-۳-۱-۵-۳-۱ آیات ضرورت اقامه ی حکومت توسط مردم برای انجام تکالیف اجتماعی ۱۰۵
- ۲-۳-۱-۵-۳-۲ آیات با موضوع مقام خلیفه الهی و وارث زمین بودن انسان ۱۰۶
- ۲-۳-۱-۵-۳-۳ آیات با موضوع واگذاری امانت (حکومت) به انسان ۱۰۷
- ۲-۳-۱-۶ جمع بندی ۱۰۸
- ۲-۳-۲ روایات و سیره ی معصومین(علیهم السلام) ۱۱۰
- ۲-۳-۲-۱ ذکر چند روایت مهم از پیامبر(صلی الله علیه و آله) و ائمه ی معصومین(علیهم السلام) ۱۱۱
- ۲-۳-۲-۳ تمسک به سنت در اثبات نظریه های مشروعیت ۱۱۷
- ۲-۳-۲-۳-۱ استدلال ها به سنت جهت اثبات مشروعیت مردمی ۱۱۷

- ۱-۱-۳-۲-۳-۲ فحوای قاعده ی تسلیط ۱۱۷
- ۱-۲-۳-۲-۳-۲ کلام علی (علیه السلام) در تعیین والی با مشورت مهاجرین و انصار ۱۱۹
- ۲-۳-۲-۳-۲ استدلال ها به سنت جهت اثبات مشروعیت الهی ۱۲۰
- ۱-۲-۳-۲-۳-۲ «مقبوله ی عمرین حنظله» ۱۲۰
- ۲-۳-۲-۳-۲-۲ روایت «مشهوره ی ابی خدیجه» ۱۲۲
- ۲-۳-۲-۳-۲-۳ توفیق مبارک امام زمان (علیه السلام) ۱۲۳
- ۲-۴-۲-۳-۲-۴ حدیث «اللهم ارحم خلفائی» ۱۲۴
- ۳-۳-۲-۳-۲ استدلال ها به سنت جهت اثبات مشروعیت الهی - مردمی ۱۲۶
- ۱-۳-۳-۲-۳-۲ روایات با موضوع واگذاری امانت (حکومت) به انسان ۱۲۶
- ۲-۳-۳-۲-۳-۲ روایات با موضوع شرطیت رأی مردم در تحقق ولایت ۱۲۷
- ۳-۳-۲-۳-۳-۲ «مقبوله ی عمر بن حنظله» ۱۲۷
- ۴-۳-۲-۳-۲ جمع بندی ۱۲۹
- ۴-۳-۲-۳-۲ جمع بندی مبانی ۱۳۱
- فصل سوم جایگاه رأی مردم در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۳
- ۱-۳-۳-۳-۲ جایگاه رأی مردم در انقلاب اسلامی و تأسیس و تداوم نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۵
- ۲-۳-۳-۳-۲ جایگاه رأی مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸
- ۳-۳-۳-۳-۲ جایگاه رأی مردم در قوانین انتخاباتی ۱۴۲
- ۱-۳-۳-۳-۳-۲ مدیریت انتخابات در جمهوری اسلامی ایران ۱۴۲
- ۲-۳-۳-۳-۳-۲ فرآیندها و ساختارهای اجرایی انتخابات (شیوه ی تمسک به آرای عمومی) در قوانین جمهوری اسلامی ایران ۱۴۴
- ۱-۳-۳-۳-۳-۲-۱ تطبیق قوانین انتخاباتی بامبانی فقهی جمهوری اسلامی و راهکارهای اصلاح آن ۱۴۶
- ۲-۳-۳-۳-۳-۲-۲ آسیب شناسی قوانین انتخابات ۱۴۷
- ۱-۳-۳-۳-۳-۲-۲-۱ فقدان نگرش راهبردی در قوانین انتخاباتی ۱۴۸
- ۲-۳-۳-۳-۳-۲-۲-۲ عدم استقلال نهاد مجری انتخابات ۱۴۹

- ۳-۲-۳-۳ راهکار حقوق دانان (کمیسیون انتخابات) برای اصلاح قوانین ۱۵۱
- ۳-۲-۳-۳-۱ ویژگی های کمیسیون انتخابات ۱۵۶
- ۳-۲-۳-۳-۱-۱ فعالیت دائمی ۱۵۶
- ۳-۲-۳-۳-۱-۲ گستره ی نقش و اختیارات ۱۵۸
- ۳-۲-۳-۳-۱-۳ چینش اعضا ۱۵۹
- ۳-۲-۳-۳-۲ کارکردها ۱۶۰
- ۳-۲-۳-۳-۲-۱ تدوین اصلاحات قوانین در محدوده ی سیاست های کلی انتخابات ۱۶۰
- ۳-۲-۳-۳-۲-۲ آموزش شهروندان و توانمندسازی مسئولان انتخاباتی ۱۶۱
- ۳-۲-۳-۳-۲-۳ سنجش و ارزیابی دوره ای انتخابات ۱۶۲
- برآمد ۱۶۳
- پاسخ به پرسش های پژوهشی ۱۶۴
- منابع ۱۷۷

پیشگفتار

نظام جمهوری اسلامی ایران که بر اساس نظریه ی ولایت فقیه حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) بنیان نهاده شده، مدعی است برای نخستین بار نظم نوینی از قوانین و ساختارهای اجرایی را بر پایه ی شریعت مقدس اسلام، با در نظر گرفتن شرایط جهان امروز و به صورت کاربردی ارائه نموده است. این نظام سعی دارد گزاره های جامع فقه تشیع در حوزه های فردی و اجتماعی را با سلطنت مردم بر سرنوشت خویش درآمیزد و زمینه ی سعادت دو دنیا را برای اعضای خویش فراهم آورد.

طی سالیانی که از این انقلاب مردمی می گذرد، تحقیقات و ژرف نگری های بسیاری در خصوص چگونگی ارتباط مردم و حکومت اسلامی در عرصه های مختلف و نقش و جایگاه ایشان در نظام اسلامی انجام گردیده؛ که موارد مذکور غالباً از منظر علوم سیاسی یا حقوق عمومی مورد کنکاش واقع گردیده است. مواردی هم که از منظر فقهی وارد این مبحث شده اند، بیش تر به موضوع مقبولیت، مشروعیت و نسبت میان این دو در نظام اسلامی، پیوستگی یا جدایی دین از سیاست و مبانی آن ها متمرکز شده اند.

معنای استقلالی حکم مختص خداوند است چه حکم در حقایق تکوینی چه در شرایع و احکام وضعی و اعتباری. اما در عین حال چه بسا خداوند حکم تشریحی را در قرآن به غیر خود هم نسبت داده است، مانند آیه ی ۲۶ از سوره ص. (۱)

از سویی در رابطه با مردم در آیات قرآن مکرراً آمده: «أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» و «أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ...» (۲) و یا «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...» (۳)

همچنین امام خمینی (رحمه الله علیه) پس از تصویب قانون اساسی فرمودند: «هر رأی یا طرحی که از طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که مخالف اسلام باشد مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است و اصولاً نمایندگان که براین اساس انتخاب شده باشند وکالت

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمی،

چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، جلد ۷، صص ۱۱۷-۱۱۸

۲- قرآن کریم، سوره ها و آیات: انعام: ۳۷ و ۱۱۱، اعراف: ۱۷ و ۱۰۲ و ۱۳۱، انفال: ۳۴، یونس: ۵۵ و ۶۰، فرقان: ۴۴،

نمل: ۷۳، قصص: ۱۳ و ۵۷، زمر: ۴۹، دخان: ۳۹، طور: ۴۷

۳- قرآن کریم، سوره ی انعام، آیه ی ۱۱۶

آنان محدود به حدّ جمهوری اسلامی است و اظهار نظر و رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حد و کالت آنهاست» (۱)

از سوی دیگر در آیات دیگر قرآن کریم، در توصیف صفات مؤمنان آمده است: «وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (۲) «و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده ایم، انفاق می کنند.» (۳) همچنین خداوند خطاب به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: «...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِى الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (۴)

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم روایتی در خصوص اهمیت و نقش محوری مردم در تشکیل حکومت اسلامی وارد شده که از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خودشان می فرماید: «در صورت نداشتن باور و همراه نبودن مردم، برای گرفتن حق خویش به اقدامی دست نزن.» (۵ و ۶)

در نظریه های امام خمینی (رحمه الله علیه) هم درباره ی نظام جمهوری اسلامی نقش مردم بسیار اساسی و محوری ترسیم شده است، تا جایی که می فرماید: «میزان رأی ملت است.» (۷) یا گفته شده: «اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است.» (۸) همچنین امام خمینی (رحمه الله علیه) پس از پایان کار مجلس تصویب قانون اساسی نیز تأکید کردند: «ما تابع ملت هستیم. ملت این آقایان را تعیین کرده است. آقایان هم این قانون را نوشته اند، تصویب کرده اند و آقایان اهل خیره هستند و آنطوری که ملت می خواستند اینها را تمام کرده اند.» (۹)

-
- ۱- امام خمینی، صحیفه ی نور، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۱-۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۵۶
 - ۲- قرآن کریم، سوره ی شوری، آیه ی ۳۸
 - ۳- انصاریان، حسین، همان، ص ۴۸۷
 - ۴- قرآن کریم، سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۵۹
 - ۵- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۴۱۹-۴۲۰
 - ۶- پاسخ حضرت علی علیه السلام به شخصی که ایشان را به سبب دست به شمشیر نبردن و عدم مبارزه ی نظامی با خلفا ملامت می نمود. رجوع شود به ص ۱۱۴ همین نوشتار
 - ۷- امام خمینی، همان، ج ۸، ص ۱۷۳
 - ۸- شهید مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا، ص ۴۵-۴۶
 - ۱- امام خمینی، همان، ج ۸، ص ۲۵۷

حال مسأله آن است که فرآیندی که برای تأثیر آراء مردم در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، در نظر گرفته شده بر پایه ی چه مبانی و پشتوانه های محکمی از ادله ی شرعی در قانون اساسی ما طراحی و اجرا گردیده است؟ یعنی نویسندگان قانون اساسی ما برای وضع قوانینی که بیانگر چگونگی تأثیر رأی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران است، چه مبانی فقهی را مد نظر داشته اند؟ به عنوان مثال در اصل یکصد و دوازده قانون اساسی در مواردی که تعارض بین نظر نمایندگان مردم در مجلس و فقهای شورای نگهبان در اصطلاح به مرحله ی استقرار رسیده، آمده: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان، خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می شود.» (۱) با دقت در این اصل، این نکته به ذهن می رسد که قانونی که مجلس شورای اسلامی اصرار بر تصویب آن دارد، شورای نگهبان بنابر رسالتش که در واقع پاسداشت ارزش های اسلامی و قانون اساسی است، آن قانون را با این مبانی در تعارض تشخیص داده است. حال مسئله آن است که بر چه اساس و با چه مبانی ای مجمع تشخیص مصلحت در مورد قانونی که شورای نگهبان مخالف شریعت یا قانون اساسی دانسته، به اصطلاح این قانون بر اساس مصالح نظام، مصلحت را تشخیص می دهد؟ و آیا این جایگاه مجمع تشخیص با اصل چهارم قانون اساسی تعارض ندارد؟ اصل چهارم: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است» (۲ و ۳) همچنین امام خمینی (ره) می فرماید: «قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد در صد براساس اسلام باشد و اگر یک ماده

۱- حسینی نیک، سیدعباس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ بیستم، ۱۳۹۰، ص ۸۷.

۲- حسینی نیک، سیدعباس، همان، ص ۳۳

۱- با همین مضمون ماده ی یکصد و هفتاد دوم و مواد یکصد و نود سه تا یکصد و نود و هشت قانون اساسی

هم برخلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری اسلامی و آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است. براین اساس هر رأی یا طرحی که از طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که مخالف اسلام باشد مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است و اصولاً نمایندگان که براین اساس انتخاب شده باشند وکالت آنان محدود به حدّ جمهوری اسلامی است و اظهار نظر و رسیدگی به پیشنهادهای مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری خروج از حد و کالت آنهاست.» (۱)

نکات مهم و اساسی دیگری نیز به عنوان مسئله‌ی نگارنده‌ی این پایان نامه مطرح است. نکاتی نظیر این که در صورت اثبات نقش مشروعیت آور مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، آیا این بدان معناست که اگر مردم نسبت به کارایی این نظام دچار تردید شده و اراده‌ی ایشان بر پایان دادن به آن واقع گردد، در این شرایط بر اساس قواعد دین مبین اسلام، نظام اسلامی برکنار خواهد شد و طبق خواسته‌ی مردم نظام مطلوب ایشان جایگزین می‌گردد، یا این موارد از حوزه‌ی اختیارات مردم خارج است؟ دراین رابطه شهیدبهدشتی می‌فرماید: «در رأس این نظام اصول عقیدتی و عملی اسلام بر اساس کتاب و سنت است. همه چیز باید از این قلّه سرازیر شود. بر طبق این اصول عقیدتی و عملی، حاملان مسئولیت و صاحبان اصلی حق در این ایدئولوژی، در این نظام عقیده و عمل، «ناس» و مردم‌اند.» (۲)

همچنین مگر نه این است که جهت ارتقای کیفیت در هر زمینه‌ی، بایستی در حوزه‌ی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مسئولیت به کارشناسان و متخصصان آن رشته محول گردد. پس چگونه و با چه مبنایی اختیار قانون‌گذاری یک نظام بزرگ، مثل جمهوری اسلامی ایران به نمایندگانی که در بسیاری از موارد تخصصی در حوزه‌ی قانون‌گذاری ندارند، سپرده می‌شود؟ چه این که شرایط کاندیدا شدن و احراز صلاحیت در نمایندگی مجلس شورای اسلامی نسبتاً سهل است. (۳)

۱- امام خمینی، همان، ج ۸، ص ۲۵۶

۲- سخنرانی یک ماه پس از پایان کار مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ۵۸/۹/۹، حسینیه ارشاد، برگرفته از تارنمای مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به آدرس: www.irdc.ir

۳- اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن، نداشتن سوء شهرت در حوزه انتخابیه، سلامت جسمی در حد برخوردارگی از نعمت بینایی، شنوایی و گویایی، حداقل سن سی سال تمام و حداکثر هفتاد و پنج سال تمام. (اعلامیه‌ی رسمی ستاد انتخابات کشور، ۴ دی ماه ۱۳۹۰ ش، برگرفته از تارنمای رسمی وزارت کشور به آدرس: www.moi.ir)

همچنین با یافتن پاسخ پرسش های فوق، دانسته خواهد شد در صورت تأثیر استمراری رأی مردم بر مشروعیت نظام، آیا این که از حضور ملت در انتخابات های مختلف به عنوان رأی به مقبولیت نظام استفاده شود، راهکار و روش دقیقی است؟

طرح تحقیق

۱- بیان مسأله

مسأله اساسی این نوشتار آن است که فرآیندی که برای تأثیر آراء مردم در قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران، در نظر گرفته شده بر پایه ی چه مبانی و پشتوانه های محکمی از ادله ی شرعی در قانون اساسی ما طراحی و اجرا گردیده است؟ یعنی نویسندگان قانون اساسی ما برای وضع قوانینی که بیانگر چگونگی تأثیر رأی مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران است، چه مبانی فقهی را مد نظر داشته اند؟

نکته ی مهم و اساسی دیگری که به عنوان مسئله ی نگارنده ی این پایان نامه مطرح است این که در صورت اثبات نقش مشروعیت آور مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران، آیا این بدان معناست که اگر مردم نسبت به کارایی این نظام دچار تردید شده و اراده ی ایشان بر پایان دادن به آن واقع گردد، در این شرایط بر اساس قواعد دین مبین اسلام، نظام اسلامی برکنار خواهد شد و طبق خواسته ی مردم نظام مطلوب ایشان جایگزین می گردد، یا این موارد از حوزه ی اختیارات مردم خارج است؟

به عبارت دیگر اگر اکثر مردم خواهان حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی نباشند، و در مقابل اقلیت که فعلاً اسباب قدرت در اختیار ایشان است، به گونه ای بتوانند با قهر، غلبه و ... مردم را به پذیرش این حکومت و اداری جامعه بر اساس آن وادار کنند، آیا چنین عملی و حکومتی مشروع است یا خیر؟

با دقت نظر در میبایم ابتدا باید روشن کرد، مقصود از نخواستن جمهوری اسلامی از سوی اکثر مردم، چیست؛ به این معنا که در این فرض که اغلب مردم این حکومت را نمی خواهند، به طور کلی اجرای احکام و مقررات اسلامی را نمی خواهند یا اینکه مردم مسلمانند و پایبند احکام و مقررات اسلامی؛ اما الگوی حکومتی حضرت امام (رحمه الله علیه) که بر پایه نظریه ولایت مطلق فقیه طراحی و اجرا شده را نمی خواهند؟ به عبارت دیگر آیا اکثر مردم از اسلام خارج شده اند و عموم جامعه دیگر جامعه اسلامی نیست؟ یا اینکه مردم ضمن پایبندی به گزاره های جامع دین اسلام، مثلاً خواهان تغییر قانون اساسی این نظام هستند؟

در فرض اول بر اساس مبانی فقهی که در آن حکومت از آن خداوند است، و از آن (حکومت)

به چیرگی مولی بر عبد خویش تعریف می گردد؛ بر اساس نظر برخی از فقها، دانسته می شود که فقیه حاکم در یک کشور با اقلیت مسلمان، از نظر شرع مقدس مجاز می باشد که اکثریت غیر مسلمان را از طریق استبداد و قوه ی قهریه تابع خود کند؛ چرا که این تبعیت در واقع تبعیت از فرد نیست؛ تبعیت از خواست مولا است و بندگان مسلمان و غیر مسلمان باید پایبند اراده مولا باشند. اگر هم اکثر مردم آن جامعه خواستی غیر از این داشتند، افرادی که خود تابع اراده ی مولا هستند و توانایی چیرگی بر آن اکثریت را دارند، مجاز خواهند بود، آنها را الزام و وادار به پذیرش حکومت اسلامی نمایند. (۱) هر چند در مقابل گروه دیگری از فقها، با وارد دانستن ملاحظاتی، این نظر را خالی از اشکال نمی دانند. ایرادهایی نظیر اینکه با پذیرش این نظر، پای استبداد به حوزه فقه سیاسی باز خواهد شد و یا اینکه قهر و غلبه محکوم به شکست است و (شارع) حکیم، کار عبث را اجازه نمی دهد.

اما در مورد دومی که در فرض ما بحث عموم جامعه، اصل حکومت اسلامی نیست، بلکه

شیوه ی پیاده سازی و الگوی اجرایی آن است، پاسخ شریعت بر اساس مبانی فقهی چیست؟

۲- هدف از اجرا

آن چه در این نوشتار به دنبال آن هستیم، یافتن شیوه ی استخراج و مستندات فقهی ساختار متکی بر آرای مردم و کیفیت اثر گذاری آرای ایشان، در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این جستجو با هدف تبیین بیش از پیش نحوه ی شکل گیری و مستندات تنظیم ساختار متکی بر آرای مردم نظام جمهوری اسلامی ایران و یافتن ادله ی مقبول برای آن انجام گرفته است؛ تا با بهره گیری از این ادله، پایه های اعتقادی مردم به نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت گردد. همچنین با بررسی دقیق این مبانی، در پی دست یابی به ملاک هایی هستیم تا به وسیله ی آن ها فوایدی که در برخی موارد

۱- آملی جبعی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام، ج ۱، ص ۵۳ و مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۴، ص ۲۰۵ و نراقی، احمد، عوائد الأیام، ص ۱۸۷ - ۱۸۸ و نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۷۸ و عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱، «کتاب القضاء، أبواب صفات القاضی، باب ۹ - ۱۱ و جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۵ - ۳۹۷ و انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، ص ۱۵۴ و بحرالعلوم، سید محمد، بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۲۲۱ و ص ۲۳۲ - ۲۳۴ و حائری، مرتضی، صلوة الجمعة، ص ۱۴۴.

در موضع گیری های سیاست مداران و مسئولین عالی رتبه ی جمهوری اسلامی با این مبانی به نظر می رسد، آشکار و آسیب شناسی آن ها برای حق طلبان میسر گردد.

۳- کاربرد نتایج تحقیق

با یافتن پاسخ پرسش های اساسی این تحقیق، در صورت اثبات اشکالاتی در روش استفاده از آراء ملت در نظام جمهوری اسلامی با توجه به مبانی آن، پیشنهادهای جهت اصلاح چگونگی تمسک به آراء مردم در جهت پیشرفت این نظام و تسریع در تحقق اهداف آن ارائه خواهد گردید. همچنین ملاک هایی ارائه خواهد گردید تا به عنوان معیار سنجش میزان و کیفیت نقش مردم در نظام اسلامی معرفی، و با این سنگ محک افراط و تفریط ها در این رابطه نمایان گردد.

۴- پیشینه ی تحقیق

مباحث یادشده در طرح موضوع این نوشتار، به صورت جسته و گریخته در مقالاتی که اشاره خواهد گردید دیده می شود ولی نه به عنوان موضوع اصلی و بررسی جامع و همه جانبه ی آن. چه این که همانگونه که بیان گردید آنچه در این پایان نامه مد نظر است بررسی مبانی فقهی است که برای مشروعیت چگونگی تمسک به آراء مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح می گردد؛ نه جایگاه مردم در حکومت اسلامی که در علم حقوق و علوم سیاسی مطرح است. به عبارت دیگر آن چه در گذشته مکرراً به آن پرداخته شده و موضوع ما را در نگاه اول تکراری می نمایاند، مبانی فقهی حکومت اسلامی است؛ نه مبانی فقهی ساختار و کیفیت تمسک به آراء مردم. در واقع تحقیقات صورت گرفته مقدمات پژوهش مورد نظر ماست. بدین نحو که ما از نتایج این تحقیقات دانستیم که در مذاهب مختلف و اندیشه های سیاسی گوناگون، به ویژه در مکتب تشیع و اندیشه های سیاسی حضرت امام خمینی (رحمه الله علیه) چه چیزهایی به عنوان مبانی مشروعیت پذیرفته شده، همچنین دریافتیم که در رابطه با جایگاه مردم در نظام اسلامی از منظر مکاتب فکری چه دیدگاه هایی وجود دارد؛ لیکن تمایز این پژوهش از تحقیقات مذکور، اخص بودن موضوع آن است، چه این که این نوشتار، چگونگی استخراج جایگاه منظور شده برای رأی مردم در قانون اساسی و سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران از

مبانی فقهی را دنبال می نماید. شایان ذکر است توضیحات لازم ذیل عنوان هر یک از کتب، پایان نامه ها و مقالات بیان خواهد شد.

فهرستی از تألیفات محققین با نزدیک ترین عناوین و محتوا به موضوع این نوشتار:

الف. کتاب ها

بخشی از مبانی فقهی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تبریز: جهاد دانشگاهی

(دانشگاه تبریز)، ۱۳۶۳،

(۱) مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، محمد رضاحاتمی، انتشارات مجد،

چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

در این کتاب، مفصلاً بحث مشروعیت مورد کنکاش قرار گرفته است. بدین منظور پس از بیان کلیات بحث، مشروعیت و مبانی آن در اندیشه های سیاسی غرب، اهل سنت و تشیع تشریح گردیده؛ و در نهایت در پی آن است که سهم مشروعیت الهی و نقش مردم را به عنوان منشأ مشروعیت نظام اسلامی تبیین نماید. به عبارت دیگر آن چه نویسنده ی این کتاب مورد کنکاش و تحلیل قرار داده است، نظریه های گوناگون در خصوص مبانی مشروعیت نظام اسلامی است، که قطعاً در موضوع پایان نامه ی حاضر داخل و مورد استفاده است، لکن وجه تمایز این کتاب با این نوشتار، با دقت در عناوین آن ها روشن می گردد؛ چه این که موضوع این پایان نامه چگونگی استخراج ساختار رأی مدار نظام جمهوری اسلامی با استناد به این مبانی است و این کتاب خود مبانی را مورد بررسی و امعان نظر قرار داده است.

(۲) مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، کعبی، عباس، انتشارات سازمان بسیج حقوق

دانان، چاپ اول، تهران ۱۳۹۴،

این کتاب گفتارهایی است پیرامون تدوین قانون اساسی و اصول کلی و فصول مدون آن که در هشت بخش شامل: انقلاب، همه پرسی و تشکیل جمهوری اسلامی، اهداف و راهکار های دسترسی به آن ها، وظایف دولت جمهوری اسلامی، ابتدای نظام قانون گذاری بر شریعت اسلام، ولایت امر و امامت امت، مشارکت مردم در اداره امور کشور، شورا و مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، به نگارش درآمده است.

این مجموعه مستترخ از سلسله جلسات بحث آیت الله کعبی، در مقام شرح مبانی فقهی و کامی اصول اول تا هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

۳) حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری، قاسم شعبانی، انتشارات اطلاعات تهران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳ش.

این کتاب در دو بخش تنظیم شده که بخش اول شامل کلیات و بخش دوم شامل شرح و تفسیر کلیه اصول قانون اساسی می باشد. اهمیت این کتاب در رابطه با موضوع ما از آن جهت است که مبانی اصول قانون اساسی را مفصلاً مورد بحث و بررسی قرار داده است.

۴) دموکراسی در نظام ولایت فقیه، مصطفی کواکبیان، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۰ش.

۵) انتخابات از نظر اسلام و قانون اساسی، گروهی از نویسندگان، انتشارات پاسدار اسلام، قم، ۱۳۶۱ش.

ب. پایان نامه ها

۸) نقش مردم در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، حسین اجل لوثیان، علوم سیاسی، کارشناسی ارشد، ۱۳۷۷، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، استاد راهنما و استاد مشاور: فرهاد اعتمادی، اصغر منتظرالقائم.

آن چه این پایان نامه به دنبال آن است یافتن جایگاه مردم در اندیشه های امام خمینی (ره) در صیانت از انقلاب اسلامی است. این مسأله یکی از مسائل مهم در علوم سیاسی است که مردم در حفظ و تداوم یک نظام نوپا چه نقشی دارند.

۲) مردم سالاری، آزادی و مشارکت در اندیشه سیاسی امام خمینی (رحمه الله علیه)، محسن حسین آبادی، علوم سیاسی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۱، دانشگاه شهید بهشتی، استاد راهنما و استاد مشاور: محمدباقر حشمت زاده، محمد غفوری.

این پایان نامه سه مفهوم مردم سالاری، آزادی و مشارکت را دربیانات امام خمینی (رحمه الله